

هدف بلندمدت دشمن «تغییر اصل نظام اسلامی» است. یک روزی به صراحت می‌گفتند جمهوری اسلامی از بین برود؛ بعداً دیدند نمی‌توانند و به ضررشان تمام می‌شود، آمدند این را تعدیل کردند و گفتند تغییر رفتار جمهوری اسلامی. بنده همان وقت به مسئولان گفتم توجه داشته باشید، «تغییر رفتار» با «تغییر نظام» هیچ فرقی ندارد. (۹۶/۲/۲۰)

▼ حرف روز

زمان پاسخگویی!

رهبر معظم انقلاب اسلامی امسال را سال «اقتصاد مقاومتی؛ تولید و اشتغال» نامگذاری کردند و با تأکید بر این حقیقت که اقتصاد مقاومتی یک مجموعه است و این مجموعه اگر فقط در زیر نام اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار بگیرد، ممکن است چندان منشأ اثر نباشد؛ علاج را در این دیدند که این مجموعه را به نقاط مهم تقسیم کرده و برای هر نقطه کلیدی و مهم یک فصلی از زمان را اختصاص دهند و از مسئولان و افراد شاخص و از آحاد مردم بخواهند که همه همت خود را بر روی آن نقاط کلیدی متمرکز کنند!

اما امسال متأسفانه بخشی از فرصت دولت در حال گذار به انتخابات معطوف شد و تا تشکیل کابینه جدید، نزدیک به نیمی از سال از دست رفت. در نیمه دوم نیز سیاست‌های دولت به طور کامل معطوف به اقتصاد مقاومتی نبوده و همچنان چشم به راه گشایشی است که پس از برجام وعده آن داده شده بود و متأسفانه با حضور رئیس‌جمهوری دیوانه در آمریکا، کور سوی امید این جریان نیز به خاموشی گزاینده است!

بدون شک، در تحلیل ناآرامی‌های دی ماه عدم توجه صحیح دولت به توصیه‌های رهبری نقش اساسی داشته است. کافی است مروری بر مطالبات و شعارهای داده شده در این تجمعات را پیش از آنکه بیگانگان میدان‌دار آن شوند، مرور کنیم تا معلوم شود چه اندازه بیکاری و در مجموع آنچه تحت عنوان مشکلات معیشتی که ترکیبی از معضلات اقتصادی-اجتماعی است، در شکل‌گیری این حوادث نقش داشته است. بدون شک، اگر چنین توصیه‌هایی مورد توجه کامل قرار می‌گرفت، امروز شاهد آن نبودیم که رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صراحت اعلام کنند: «دربره عدالت ما عقب‌مانده هستیم، خودمان اعتراف می‌کنیم! در همه زمینه‌ها پیشرفت اتفاق افتاده اما در زمینه عدالت باید کار کنیم و باید از مردم و خدا عذرخواهی کنیم. درباره عدالت مشکل داریم.»

اکنون چرخ روزگار ما را به پایان سال ۱۳۹۶ رسانده و زمان پاسخگویی فرا رسیده و ملت و رهبری منتظرند مسئولان امر پاسخ دهند که در زمینه تولید ملی و اشتغال چه اقدامات حائز اهمیتی انجام داده‌اند و تا چه اندازه این دو مؤلفه مهم در اقتصاد کشور را پیش برده‌اند! امید که این پاسخ‌ها مستدل و قانع‌کننده بوده و اگر قصور و تقصیری نیز وجود داشت، لااقل شجاعت و جسارت عذرخواهی وجود داشته باشد!

▼ گزارش روز

دوراهی تصمیم

روزنامه اصلاح‌طلب «آفتاب یزد» می‌نویسد: «دولت ماه‌ها پس از توافق هسته‌ای، به هوای چیدن میوه‌های برجام نشست و بر پایه این دلخوشی، برنامه‌ها و سیاست‌های کاری خود- دوران پس‌برجام- را نوشت، اما محصل این انتظار، فرصت‌سوزی، از دست رفتن منابع موجود به هوای گشایش برجام و در نهایت کاهش صبر اجتماعی با استمرار فشارهای اقتصادی بود... با گذشت ماه‌ها از انتخابات و علیرغم هشدار حامیان و آگاهان، موتور دولت دوازدهم دور لازم را پیدا نکرد... انتظار این بود که دولت دوازدهم در اتوبانی که فراخ‌تر از قبل شده- با سنگ تمام مجلس در رأی به کابینه و داشتن چهار سال تجربه کاری- با سرعت راه ببیماید نه اینکه با دنده سنگین حرکت کند و ترافیکی از مطالبات را پشت سر خود ایجاد کند!» این جملات اگرچه پیشتر نیز از زبان بسیاری از منتقدان عملکرد دولت و چهره‌ها و رسانه‌های منتقد برجام نیز بیان شده است، اما بیان آن از سوی رسانه‌ای همچون آفتاب یزد، که همواره در دفاع و مطلوب نشان دادن توافق با غرب و به ویژه آمریکایی‌ها پیشگام بوده است، معنای دیگری دارد؛ نوشتاری که البته تنها به این روزنامه اصلاح‌طلب محدود نیست و روزنامه‌های دیگری، چون «قانون» و «شرق» نیز پیشتر بر این موضع تأکید کرده‌اند که اکنون و پس از گذشت چند سال از برجام و محقق نشدن انتظارات ایران از این توافق، با وجود اجرای مو به مو و حتی فراتر از متن این توافق از سوی جمهوری اسلامی ایران دیگر نمی‌توان به ثمر دادن این توافق و منتفع شدن کشور امیدوار بود؛ اما حال که برجام به این نقطه رسیده و آمریکایی‌ها هم هر روز تهدید می‌کنند که از آن خارج خواهند شد، چه باید کرد؟ آیا آن‌طور که مقاله‌نویسان و ستون‌نویسان این نشریات می‌نویسند، باید امتیازات بیشتری به غرب داد و اجازه انتقاد را از منتقدان داخلی گرفت تا گشایش اقتصادی به وجود آید؟ یا آنکه باید با استفاده از آنچه در دوران پس‌برجام رخ داد، به قدرت درونی کشور بازگشت و برای تقویت قدرت درونی و حل مشکلات با تکیه بر نیروی جوان و کارآمد کشور و کشورهای قابل اعتماد در مسیر پیشرفت گام برداشت؟ تصمیم با ماست، اصرار بر یک تجربه تلخ یا پای گذاشتن در مسیر پیشرفت به کمک توان درون‌زای کشور.

▼ خبر ویژه علت اصلی حضور نیافتن رئیس‌جمهور در جلسات مجمع

پس از حواشی به وجود آمده درباره حضور نیافتن دو ماهه سران قوا در جلسات مجمع تشخیص مصلحت نظام، هرچند برخی تحلیلگران آن را به حضور احمدی‌نژاد مرتبط می‌دانستند و برخی شایعات حاکی از نوشتن نامه خطاب به رهبری برای عزل احمدی‌نژاد بود؛ اما حسام‌الدین آشنا در یادداشتی تلگرامی دلیل حضور نیافتن روحانی در جلسات مجمع را عدم ریاست روحانی بر مجمع ذکر کرده است. سخنی که در هفته‌های اخیر به صورت شایعه به گوش می‌رسید تا اینکه مشاور رئیس‌جمهور با انتشار متن اخیر رنگ واقعیت به آن بخشید. حسام‌الدین آشنا، مشاور روحانی و رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری در یادداشتی به بهانه بررسی سیر تاریخی ریاست بر مجمع می‌نویسد: «رؤسای‌جمهور قاعداً بنا به نص قانون اساسی خود را شخص دوم کشور می‌دانند و انتظار دارند مانند دو دوره اولیه مسئولیت مجمع بر عهده ریاست‌جمهور بماند تا محوریت قوه مجریه در سیاست‌های اجرایی تثبیت شود و از برآمدن یک شبه قوه جلوگیری شود. آنها وقتی با عنوان حقوقی خود در مجمعی قانونی شرکت می‌کنند، نمی‌توانند ریاست فرد دیگری را بر آن بپذیرند.»